

روایت دردناک «روزنامه عصر جدید» از ویرانی ایران در جنگ‌های جهانی+تصویر روزنامه

۱۴ خرداد ۱۳۹۶ ساعت ۱۷:۴۳

ایران که بدون هیچ منفعتی یک قسمت از حدودش در آتش جنگ بین‌المللی می‌سوزد این استراحت نیز مرتفع و حتی در همین سرما جان و مال یک عده از اهالی مملکتش از قتل و نهب محفوظ نمی‌ماند...»

کافه تاریخ- اخبار تاریخی

همان‌طور که می‌دانیم دو جنگ جهانی در قرن بیستم رخ داد. جنگ‌هایی که بخش‌های زیادی از جهان را به خود مشغول داشت. در هر دو جنگ برخی از کشورها به طور ثابت حضور داشتند، مثل انگلستان که در نهایت در هر دو جنگ جزء طرف پیروز بود و آلمان که در هر دو جنگ در میان شکست خوردگان حاضر بود.

اما کشورمان، ایران، در هر دوی این جنگ‌ها جزء بی‌طرفان بازنده بود. اگر آلمان در هر دوی این جنگ‌ها خودخواسته وارد شده و به نوعی رهبری یکی از جبهه‌ها را بر عهده گرفته بود، ایران نه تنها حاضر به ورود به جنگ نبود، بلکه صراحتاً اعلام بی‌طرفی می‌کرد. اما ضعف قدرت مرکزی سبب می‌شد تا کشور ما نتواند از آتش جنگ محفوظ بماند و از این رو مردم ایران تنها می‌بایست آرزو می‌کردند تا جنگ به پایان برسد تا بدین گونه بتواند بار دیگر رنگ آرامش را در کشور خود ببیند.

روزنامه عصر جدید در زمانه مشروطه و در میانه جنگ جهانی اول در یادداشتی با عنوان «سال سو و شاید سال آخر» به توصیف زمستان سومین سال جنگ می‌پردازد:

این زمستان زمستان سوم سال سوم و شاید است که از عمر جنگ سال آخر بین املی می گذرد و متدرجا سردی زمستان بخون ریزی شدید خاتمه داده زدگی چندین هزار نفر را موقتاً در تحت حمایت خود بگیرد .

درباره جنگ های بزرگ در فرونت های مختلف تطبیق و تنظیم از حلات مرضیه و باامانات متعلقه شدید ، مستقر نظارت طبیعه بود دست کشیده و اصطلاح امروزه سگری با خدمتی می شود ولی در ضمن قوای خود را برای آنکه که شاید سال آخر جنگ بین املی باشد حاضر نمی نماید که با آمدن بهار که فصل تجدید حیات است کشتی از موجودات است این ششامی قرن حاضر تمام آلات قتل و اعدامی را که برای جان هندیکر و جان بی طرفها تهیه نموده اند از نو بکار می آورند .

در فرونت بزرگ - استانبول و کاپسی و در فرونت فرانسه نیز از این جنگ ها حالت سخت تر است و در جوب کاپسی نیز متدرجا آرامی برقرار می شود تنها در فرونت بالکان است که در اینجوع خونریزی عداوت سابق خود باقی است و آنچه احتمال می رود این است حمله زمستان امساله توجه متخصصین بیشتر بر این فرونت جلب گردیده و زمینه منع آبی نیز در اینجا فراهم کرده ، چه اگر متعلق موفق به یسرفت در بالکان شود وضعیت شمالی و بجزر صحت و روابط این دو دولت از بیستگزار تکامل خود مقطوع شده و قهراً دستگوم جنتوریت بگیرد .

برعکس اگر متخصصین اروپای مرکزی در بالکان یسرفت های مهم تانی بکنند یک قسمت بزرگ از منطقه متعلقین طعم مانده ، و نتیجه مدت مدیدی برعکس جنگ افزوده خواهد شد .

بهر حال باید می شود که برای تمام مللی هسته داخل در جنگ هست و برای حفظ حیات با سعادت آبی خود از هیچ قسم لشکری

خود داری نبیند که فصل زمستان فصل استراحت استی و دور توجه بیش از حد بحسب بگذرد ولی برای ایران حمله بدون هیچ منتفی یک قسمت از خدمتوش در آتش جنگ بین املی پیروزه این استراحت نیز مرتفع و حتی در همین سرما جان و مال بی ثمره از املی منتقلش از قتل واجب و سقوطش می ماند .

با که در بظهور و از فرونت جنگ دوریم شاید صورت می توانیم نسبت اعلی حاکمیت آن حدودی را بملی گرونی که دارند در جنگ می سوزند پیش چشم خود بچشم کنیم .

چرا گوته بی وجه خود بی آ ...

آیا هنوز تیراید خودی بنگر و بیخ گرفته و استیلا که باعث این همه بدبختی و خسارت شده است ؟

آیا خسارتان و از آنه زمان - طوفان های ریخته شده منوطان ما - حاله های خرابیه و تراجیح شده ما - هنوز از طوفان ما تری نمانده گرفته است ؟

نگران نمی کنیم

آیا اینا تومی - بی فکری - تصورات موجود در بوضر استفاده های مصنوعی - مضرات و مضارک شدید را طرف ما جلب نکرده و کلیه موانع استقامت را از ما حذف نکرده ؟

آیا موانع طبیعی را جزء مدلت حسابیون ما دیده و بحسب داشت ؟ آیا در زدگی سیاسی حکمرانان ما رشادت سیاسی و شجاعت انقلابی پیدا و قی موفع عمل گذارده شده است ؟ و آیا این مقامات عالی حسیه آتاریک ها و کشتن های داخلی یکی از مراض سیاسی بحسب شده و نتیجه بصورتی از جرایم سیاسی داخلی برای کارشان ما تصور بوده است ؟

متأسفانه جواب نامه این سؤال ها منفی است ما چه بلدی که باید بگوئیم در موفع گفته ایم و تنها شرط خلاصه وطن است که هنوز نمی گذارده ما کت سیاسی و از این است که گاهی این نوع خطایی را برای اصلاح مورد حین در آبی یادگار در این صحیح گذارده و می گذاریم .

«این زمستان، زمستان سوم است که از عمر جنگ بین المللی می گذرد و متدرجا سردی زمستان به خون ریزی شدید خاتمه داده، زندگی چندین هزار نفر را موقتاً در تحت حمایت خود می گیرد. عنقریب جنگ های بزرگ در فرونت های مختلفه تعطیل و

متحاربین از حملات تعریضیه و یا حملات متقابله شدید که مستلزم تلفات عظیمیه بود دست کشیده و به اصطلاح امروزه سنگری یا خندقی می شوند ولی در ضمن قوای خود را برای آتیه که شاید سال آخر جنگ جهانی بین المللی باشد، حاضر می نمایند که با آمدن بهار که فصل تجدید حیات یک قسمتی از موجودات است، این متمدنین حاضر تمام الات قتل و اعدامی را که برای جان همدیگر و جان بی طرف ها تعبیه نموده اند از نو به کار بیندازند...»

نویسنده ای یادداشت سپس به سراغ آتشی که از جنگ نصیب ایران شده می آید و می نویسد: «... ولی برای ایران که بدون هیچ منفعتی یکی قسمت از حدودش در آتش جنگ بین المللی می سوزد این استراحت نیز مرتفع و حتی در همین سرما جان و مال یک عده از اهالی مملکتش از قتل و نهب محفوظ نمی ماند...»

او سپس برخی سوالات را از سیاستمداران ایرانی می پرسد؛ از جمله آنکه: «آیا خسارات وارده بر ما-خون های ریخته شده هموطنان ما-خانه های خراب و تاراج شده ما- هنوز در قلوب ما تاثیری تولید کرده است؟» و سپس صراحتاً پاسخ می دهد: «گمان نمی کنم» و در پایان ضمن اشاره به این نکته که به کرات به این مسائل پرداخته است، می نویسد: «... گاهی این حقایق را برای اطلاع مورخین در آتیه به یادگار در این صفحات گذارده و می گذریم...» ۱

پی نوشت ها:

۱- روزنامه عصر جدید، شماره سی ام، ۲۴ محرم ۱۳۳۵ و ۲۱ نوامبر ۱۹۱۶

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۵۹۰۵/تصویر-جهانی-جنگها-ایران-و-ایران-جدید-عصر-روزنامه-دردناک-روایت/۳۵۹۰۵>